

کاندیداهای هیچ نوع برنامه ایجابی ندارند

در این زمینه فرقی هم میان اصولگرا و اصلاح طلب وجود ندارد. مطلقا هیچ نوع برنامه ایجابی ندارند. ببینید کمپین های ما روی چه موضوعاتی سوار است؟ اینکه دارایی های من چیست، دوئل کنیم که این دارایی زیاد یا کم است؟ اینکه فلان نامزد تلاش کند تا اثبات کند دارایی های او همین میزان است که اعلام کرده، یا مثلا بگوید بچه خود را به مدرسه خصوصی نمی برم و... من نمی گویم اینها خوب است یا بد، من در موضع تعیین این مساله نیستم اما سوال بنده این است که مواردی از این دست آیا اساسا در اولویت است؟

ضعف کارشناسی نماینده را نمی توان با مشاوران برطرف کرد

نماینده های که وارد مجلس می شود بناست سال آینده درباره تبصره ۱۸ بودجه صحبت کند. آیا کاندیدها معنی این را می فهمند که چرا عدد بزرگی از صندوق توسعه ملی سر این تبصره گذاشته شده و ۲۰ درصد آن هنوز تا دو سال جذب نشده است؟ متوجه این موضوع هستند؟ آیا این موضوع را می توان از طریق کارشناسان بیرون مجلس به اینها اطلاع داد وقتی خود آنها دست کم هیچ قریحه ای در این زمینه ندارند؟ در کسانی که کاندیدا شدند آدم های اقتصاد خوانده درجه یکی هم هستند اما عملا می بینید در فرآیندها در همه گروه ها کنار گذاشته می شوند. سوالاتی که مطرح کردم اکنون سوال کسی نیست. چه کسی امروز درباره اینها حرف می زند؟

بعضا گفته می شود امروز پاسخ به برخی مسائل و مشکلات ریشه ای کشور فعلا اولویت ندارد، چرا که در شرایط تحریم نمی توانیم به این مسائل بپردازیم و اولویت های مهم دیگری از جمله تامین آب و نان مردم وجود دارد. پاسخ شما چیست؟

مواردی که بیان کردم نان و آب مردم بود. من درباره تجارت کالاهای اساسی صحبت کردم. سويا، کنجاله، ذرت دامی و حداقل کالری برای خانوار. اینها نان و آب است. بودجه دولت نان و آب است. بودجه دولت تراز نشود همواره از پایه پولی می گیرد و تورم آن چشم مردم را کور می کند. الان به دلیل مهار شدن نرخ ارز که البته زحمت بسیار زیادی برای آن کشیده شده و به خاطر یک دلیل پولی دیگر، شاهد این هستیم که تورم نقطه به نقطه ماهانه کاهشده است اما از سوی دیگر این دو مانع کوچک در مقابل تورمی که می تواند پولی شدن بودجه ایجاد کند، چیزی نیست. همین ها مسائل اصلی هستند.

تا وقتی ضعیف هستیم چرا باید آمریکا تحریم ها را بردارد؟

با تحریم باید چه کنیم؟

حل شدن تحریم یعنی چه؟ بزرگوار می باشد نوشتن بود وقتی پای کسی روی گلولی شماست، نمی توانید نفس کشید! با این منظور که تحریم ما را فلج کرده و نمی توانیم هیچ کاری بکنیم تا زمانی که تحریم مرتفع شود. اما باید بگویم که این بحث از اساس اشتباه است. بحث من این است که ما خودمان گلولی خود را زیر پای دشمن گذاشته ایم. سوال بزرگ ما این است که چرا امروز اصرار داریم کنجاله را در ساختار تسویه آمریکایی، تسویه کنیم، از برزیل و آرژانتین بخریم و به سختی در انگلستان و سوئیس تسویه کنیم و بعد به داخل کشور بیاوریم؟ این فرآیند را ما انجام داده ایم نه کشور دیگری، آمریکایی ها این کار را انجام ندادند. آمریکایی ها نمی توانند نفت ما را تحریم کنند، آمریکایی ها روش ما در نفت فروختن را تحریم کردند. آیا کسی به این مساله فکر کرده است؟

معلوم است که باید این روش تغییر کند. روش های دیگری وجود دارد که از لحاظ بودجه ای بهتر است. آیا کسی فکر کرده علت به هم خوردن روابط خارجی ایران با چین، علت به هم خوردن روابط خارجی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، علت به هم خوردن روابط خارجی ایران با روسیه و... چیست؟ آیا صرفا تحریم های آمریکاست یا چیزهای دیگری وجود دارد؟ اصلا تا وقتی ضعیف هستیم چرا باید آمریکا تحریم ها را بردارد؟ موضوع این نیست که ایرانی ها می خواهند آمریکا مذاکره کنند و ایرانی ها نمی خواهند و آمریکایی ها می خواهند، معکوس این است. آمریکایی ها انگیزه ای برای مذاکره با ایران ندارند. چرا باید با کشوری که به وضوح هیچ کلان تصویری برای اقتصاد خود ندارد مذاکره کنند؟ این کشور خودش در مسیر قرار گرفته که هرچه زمان بگذرد امتیازات بزرگتری را به طرف آمریکایی می دهد. آمریکایی ها چرا باید بر این مسیر سوت پایان بزنند؟ او هم به نماینده های مجلس و کاندیداها نگاه می کند و می فهمد اینها ایده حکمرانی ندارند پس چرا باید اساسا با کسانی که ایده حکمرانی ندارند مذاکره کند در حالی که می داند آنها هرچه جلوتر بروند آماده هستند امتیازات بزرگتری به طرف آمریکایی بدهند؟

فهرست های انتخاباتی در حال نهایی شدن هستند، شاید سوال مهم افکار عمومی از آنها این باشد که در صورت پیروزی در انتخابات چه ایده هایی برای حل مسائل دارند

۱۰ سوال اقتصادی از لیست های انتخاباتی



علی جمشیدی
دبیر گروه سیاسی

کمتر از ۱۰ روز دیگر تا برگزاری انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی باقی مانده است و نامزدهای حضور در بهارستان از امروز به صورت رسمی تبلیغات خود را برای کسب آرای مردمی آغاز کرده اند. در این فرصت جناح های سیاسی که چند روزی است مشغول بستن لیست و معرفی آن به مردم بوده اند تلاش خواهند کرد هرچه بیشتر نظرات عمومی را به خود جلب کنند، اما براساس آنچه نظرسنجی ها ابراز می کنند، شور و هیجان عمومی برای حضور در این انتخابات آنچنان که باید و شاید نیست و ممکن است همین فضا هم روی مشارکت تاثیر گذاشته و آن را نسبت به ادوار گذشته کاهش دهد. با توجه به همین مساله خیلی ها تلاش کرده اند در مسیر ریشه یابی حرکت کنند و نسخه شفابخشی به درمان بپیچند. یکی می گوید کار آمریکاست و فشارهای آن باعث نارضایتی شده، دیگری عملکرد دولت را دلیل اصلی می داند، یکی شورای نگهبان را مقصر ماجرا معرفی می کند و... در این میان اما شاید متقن ترین و دقیق ترین نظر که به اصطلاح ریشه اصلی را دنبال کرده و آن را دلیل رکود فضای سیاسی امروز می داند، نظر کسانی است که ریشه اصلی را ناکارآمدی در مجلس و قوه مجریه می دانند و فقدان ایده های حکمرانی را علت العلل به وجود آمدن چنین فضایی. آنهاهی که ابراز می کنند برای گذار از شرایط کنونی، خلاصی از مشکلات اقتصادی، رفع تحریم و حتی معضلات اجتماعی و آسیب های این حوزه باید مشکل ناکارآمدی را دوا کرد، راه را در ارائه ایده جدید برای حل بحران های جاری و سپس عزم و اقدام برای اجرا می دانند و لذا توصیه اصلی شان در وهله کنونی به جریان های سیاسی و نامزدهای مجلس، ارائه چنین ایده هایی و تدوین طرح های مربوط به آنهاست تا از این مسیر مشکلات کشور از جمله مشارکت عمومی هم مرتفع شود. در شماره امروز «فرهنگستان» و همزمان با آغاز رقابت نامزدهای مجلس با مجید شاکری، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی به گفت و گو نشستیم و اولویت های مجلس یازدهم را با وی مرور کردیم. آنچه در ادامه می خوانید مشروح این گفت و گو است.

اما اینکه به کدام وزن بدهیم معانی توسعه ای متفاوتی برای آینده ایران خواهد داشت. کاندیداهای انتخابات مجلس اگر طرفدار هر سه مورد هستند با تبعات آن در سوالات دیگر می خواهند چه کار کنند؟ به این فکر کرده اند؟

کار نماینده بیان آرزوها نیست

اساسا فکر می کنید بسیاری از کاندیداها درک درستی از مفهوم هریک از این راهبردها دارند؟

خیر. اگر فکر می کنند بعد این را با مشاور، با اندیشکده و مرکز پژوهش های مجلس می توانند حل کنند در اشتباهند. تا زمانی که ندانند یا نتوانند با حداقل حسی از این موضوع نداشتند باشند نمی توانند تصمیمی در این باره اتخاذ کنند. من به عنوان یک تجربه دردناک مربوط به کارشناسان نسل خودم می گویم، بارها و بارها مواردی بوده که تمام حدود آن توسط کارشناسان جوان به سیاستگذار منتقل شده ولی او نفهمیده آن موضوع چیست و آن را طوری اجرا کرده که نه به اهداف سیاسی مدنظر رسیده و نه اهداف اقتصادی کارشناسان را تامین کرده.

در این باره مصداق خاصی در نظر دارید؟

نمونه آن موضوع بنزین بود. یعنی در مجلس هم شما می بینید نماینده حسی درباره چیزی که تایید یا رد می کند، ندارد. من نطق نماینده ای را که در ماجرای تغییر سیستم محاسبه سود وام ها از مرکب به ساده و بخشش آن سخن می گفت به یاد دارم که پشت تریبون گفت چرا سقف یک میلیارد تومان لحاظ شود؟ و سقف، دو میلیارد تومان باشد. اصلا حسی دارد که یک میلیارد چیست؟ اثر این بر ترازنامه بانکها چیست؟ معنی این چیست و درصد شمول را چقدر بیشتر می کند؟ می ارزد به این موضوع فکر کند یا خیر؟ اساسا قبل از اینکه پشت تریبون برود به این موضوع فکر کرده است؟ بله، همه دست دارند یک میلیارد بشود دومیلیارد ولی کار نماینده چیست؟ کار نماینده بیان آرزوهاست؟

اشکالات موجود در مجلس فعلی به اکثر نامزدها نیز وارد است

نماینده دیگری را می شناسم که به عنوان نماینده صنف پزشکان به مجلس رفته بود و موقعی که بحث بر سر آن بود که پزشکان در مطب های خود کارتخوان بگذارند فارغ از اینکه مالیات گرفتن از پزشکان درست است یا خیر، گفت کسانی که مدافع نصب کارتخوان در مطب پزشکان هستند همان کسانی اند که رئیس جمهور را به غرق شدن در استخر فرح تهدید می کنند. یعنی گودرز و شقایق را این گونه به دلایل صنفی و سیاسی به هم وصل می کنند. آیا فیلم گرفتن از پشت حرم امام خمینی (ره) یا دعوا بر سر اینکه در تهران لیست بدهیم یا ندهیم و... مواجهه هستید. شما با این بازی ها طرف هستید بدون اینکه مطلقا هیچ گونه پاسخ ایجابی درباره هیچ یک از سوالات روی میز مشاهده کنید.

این طور می خواهیم کشور را اداره کنیم؟ این طور به نتیجه می رسیم؟ نمایندگان جدیدی که از نسل جدید قرار است وارد مجلس شوند نباید بداند بودجه چیست؟ نباید بداند مالیات چیست؟ سه راه حل متفاوت برای حل مشکل بودجه وجود دارد که این سه راه حل ضمن اینکه با هم موازی هستند هر کدام با هم تفاوت هایی دارند. یک، افزایش مالیات ها، دوا، افزایش فروش اوراق ها، سه، مولدسازی دارایی های دولت. هر سه درست است برای گفتن داشته باشند.

صفر بوده و این برای کشوری با بیکاری جوانان بالا فاجعه است. نامزدها باید بگویند چه پاسخی برای این موضوع دارند؟

مورد ششم تامین حداقل کالری لازم برای خانواده است. به عنوان یک ایده اجتماعی بحث شد و تصمیم بر آن شد که یارانه نقدی به جامعه داده شود؛ اما چون یارانه نقدی منجر به تحریک تقاضای طبقات پایین تر روی گروه کالاهای خوراکی و آشامیدنی می شود نهایتا سبب افزایش تورم احساس شده توسط جامعه خواهد شد و در کوتاه مدت باعث می شود قیمت گروه مواد خوراکی و آشامیدنی اتفاقا بالا برود و این پول برای آنها بی ارزش شود. چه پاسخی داریم برای اینکه حداقل کالری لازم جامعه مخصوصا دهک های پایین را برآورده و سپس تامین کنیم؟

مورد هفتم حفظ تراز تجاری است. به جز کالاهای اساسی یک بخش دیگر داریم که بسیار مهم است. با مشکلاتی که برای فروش نفت ما وجود دارد حساب های جاری کشور شدیدا تحت فشار است؛ همان حساب جاری که همیشه با نفت آن را تراز نگه می داشتیم و با آن ارز تولید می کردیم. امروز چه پاسخی برای آن دارند؟

چه سیاستی برای حامل های انرژی دارند؟ آیا می خواهند به بنزین هزار تومان بازگردند یا سیستم دوترخی سه هزار تومان و هزار و ۵۰۰ تومان را درست می دانند؟ آیا باید تغییری در این ایجاد شود؟

نامزدهای مجلس باید همین روزها درباره مشکل مسکن پاسخگو باشند. آنها باید نحوه تامین مسکن کوچک و متوسط را توضیح دهند و بگویند چه کار می خواهند در این حوزه انجام دهند؟ ما با یک مشکلی جدی مواجه هستیم، چرا که در بلندمدت هم مشکل ذاتی تورم داریم و هم مشکل کسری عرضه، لذا بگویند چه طرحی درباره اینها دارند.

مساله آخر این است که نامزدها اگر به مجلس راه یافتند درباره آلودگی هوای کلانشهرها چه کاری می خواهند انجام دهند؟ برای بازسازی ناوگان حمل ونقل کلانشهرها چه کاری می خواهند انجام دهند؟ برای بازسازی ناوگان حمل ونقل تهران به ۶۰۰ میلیون یورو نیاز است. چه پاسخی برای این موضوع دارند؟ باید پرسید که آیا کسی از نامزدهایی که بر سر لیست با هم دعوا می کنند به اینها پاسخی دارند یا فکری در این باره دارند؟ می دانند معنای این موارد چیست؟

با یک سری شعارها و موضوعات تو خالی و بیهوده مواجهیم

برنامه این نامزدها کجاست؟ قطور باید ببینیم این برنامه ها با هم همساز است؟ این سوال مرکزی است. من می بینم اساسا برای هیچ کسی این سوالات مهم نیست. یعنی شما با یک سری شعارها و موضوعات تو خالی و بیهوده همانند اعلام اموال کاندیداها یا فیلم گرفتن از پشت حرم امام خمینی (ره) یا دعوا بر سر اینکه در تهران لیست بدهیم یا ندهیم و... مواجهه هستید. شما با این بازی ها طرف هستید بدون اینکه مطلقا هیچ گونه پاسخ ایجابی درباره هیچ یک از سوالات روی میز مشاهده کنید.

این طور می خواهیم کشور را اداره کنیم؟ این طور به نتیجه می رسیم؟ نمایندگان جدیدی که از نسل جدید قرار است وارد مجلس شوند نباید بداند بودجه چیست؟ نباید بداند مالیات چیست؟ سه راه حل متفاوت برای حل مشکل بودجه وجود دارد که این سه راه حل ضمن اینکه با هم موازی هستند هر کدام با هم تفاوت هایی دارند. یک، افزایش مالیات ها، دوا، افزایش فروش اوراق ها، سه، مولدسازی دارایی های دولت. هر سه درست است

«عدم موفقیت» به شکل هشت سال رشد اقتصادی منفی نمایان است، اعتماد به نفس خود را اساسا از دست داده است. راه حل برگشتن اعتماد به نفس را ایجاد یکی دو پیروزی در حوزه اقتصادی ولو کوچک می دانم. در راه رسیدن به پیروزی کوچک در اقتصاد که بتواند به صورت پایداری اجزاء، بحران اقتصادی را کوچک یا حل کند، داشتن یک کلان تصویر همسان که پاسخ آن سوالات را بدهد نیاز است.

این موفقیت ها از چه مسیری حاصل می شود؟

سوالات یا موضوعاتی با اولویتهای منطقه ای در این راستا وجود دارند که به ترتیب به آنها اشاره می کنم.

- مهم ترین سوال درباره کسر بودجه دولت است. اینکه مجلس بعدی برای این معضل چه کاری می خواهد انجام دهد و چه ایده ای دارد؟
- سوال بعدی درباره ناترازی سیستم بانکی است. نامزدها باید پاسخ دهند مجلس بعدی درخصوص این موضوع چه می خواهد انجام دهد؟ باید بگویند ناتوانی سیستم بانکی را ناشی از شعب و روسای شعب می دانند، از عدم اعتبارسنجی درست و همانند اینها می دانند یا اینکه فکر می کنند با یک بحران سیستماتیک بانکی مواجه هستیم؟ دقت کنید پاسخ به اینها پاسخ های متفاوتی خواهد بود.
- سومین مساله درباره تجارت است. باید بگویند برای حفظ تجارت خارجی کشور چه کاری می خواهد انجام دهد؟

ایران به دلایلی که شرح مفصلی می طلبد ناچار از واردات سطوحی از کالاهای اساسی است. تصور اینکه ایران در کوتاه مدت می تواند خودکفا شود یا اصلا اینکه آیا باید خودکفا شود؟ یا خودکفایی در فلان محصول به نفع کشور و منطقی است یا خیر، سوالاتی است که حتما باید به آنها پاسخ جدی و دقیق و توأم با آینده نگری داده شود. یعنی پاسخ لزوما این نیست که خودکفا شویم! ولیکن شرایط امروز به گونه ای است که برخی کالاهای اساسی و نحوه تامین آن به سخت ترین و بدترین نحوه انجام می پذیرد، به گونه ای که مسیر واردات آنها مثل شریان حیاتی در اختیار آمریکا عمل می کند. این موضوع باعث می شود آمریکایی ها به خود جرات دهند چیزی همانند «کانال سوئیس» را روی میز بگذارند و آن را به عنوان سقف چیزی که به ما می دهند به رئیس جمهور ارائه کنند، مجلسی ها چه برنامه ای برای این موضوع دارند؟ این سوال بسیار مهمی است.

سوال مهم بعدی درباره افزایش نرخ تشکیل سرمایه ثابت است. کشور ما هشت سال دچار افزایش نرخ تشکیل سرمایه ثابت منفی است و کار به جایی رسیده که از امسال میزان استهلاک از تشکیل سرمایه ثابت بیشتر است و موجودی سرمایه ثابت کاهش یافته است. به عنوان مثال می توانم مشابه این اتفاق را فقط در سال پایانی جنگ به شما نشان دهم. این البته در حالی که امروز کشور درگیر فیزیکی نیست.

مورد پنج ورود به رشد در اقتصاد است. کشور ما عمیقا دچار رکود است و کاملا رشد آن افتاده است. نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی از سال ۹۰ تا ۹۸

مورد پنج ورود به رشد در اقتصاد است. کشور ما عمیقا دچار رکود است و کاملا رشد آن افتاده است. نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی از سال ۹۰ تا ۹۸

ارزیابی شما از وضعیت جریان های سیاسی و نامزدهای انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی در نسبت با طرح ایده های عملیاتی برای مجلس آینده چیست؟

واقعیت این است که من تا این لحظه ای که با هم صحبت می کنیم و ساعاتی بیشتر تا شروع فرآیند تبلیغات باقی نمانده است، هیچ برنامه ای از جانب هیچ گروهی ندیده ام. با توجه به اینکه تصور من بر این شکل گرفته که «مشکل مرکزی» فقدان و ناکارآمدی در ایده حکمرانی است، صرف اینکه اکنون گروهی وجود داشته باشد که اساسا ایده ای برای حکمرانی ارائه دهد فارغ از اینکه بنده با این ایده موافق باشم یا خیر، بسیار با ارزش است.

اما متاسفانه چه در اصلاح طلبان و چه در اصولگرایان این روزها اساسا مساله، «بستن لیست» است نه چیز دیگری. در این چندروزه شاهد درگیری هم بین اصولگرایان و هم بین اصلاح طلبان بر سر چگونگی تدوین لیست های انتخاباتی بوده ایم، اما در مقابل درباره اینکه اساسا در این زمانی که هستیم چه باید بکنیم، ایده و حرفی ندیده و نشنیده ایم.

واضح است شرایط تغییر کرده اما اساسا ایده حکمرانی ما متناسب با این شرایط تغییر نکرده است، لذا باید بگویم با این شرایط ما دچار فرسایش ملی به تمام معنا می شویم، عملا هیچ تلاشی برای حرکت به سمت ایده های جدید حکمرانی وجود ندارد.

حل بحران اقتصادی، گره گشای دیگر مشکلات کشور است

منظور دقیق شما از «ایده های حکمرانی» چیست؟

وقتی می گویم «ایده حکمرانی» منظورم این است که سوالات اصلی موجود درباره شرایط کشور را با فوریت بالا بشناسیم و پاسخ هایی برای آن داشته باشیم تا همساز و به هم مرتبط باشند و همدیگر را تکمیل کنند. به نظر مهم ترین مساله امروز کشور «مالیه حکمرانی» است.

معتمد همه بحران های متفاوت اقتصادی امروز کشور اعم از صندوق های بازنشستگی، بحران بانکی، مسائل سیاست خارجی و... اجزاء و اطراف مختلف یک بحران واحد هستند. این امر باعث می شود به این نتیجه برسیم که با حل مستقیم یک یا دو بحران، برخی دیگر از بحران ها کلا حل می شوند یا برخی بحران ها کلا تخفیف می یابند. می دانید خیلی از بحران های فعلی کشور ذاتا غیراقتصادی هستند، همانند محیط زیست، بحران اجتماعی، مسائل مربوط به طلاق و خانواده، مسائل بزه کاری و... و شاید هم به صورت خیلی مستقیم نتوان انطباقی میان آنها با مشکلات اقتصادی کشور مشاهده کرد اما حل بحران اقتصادی هم باعث تخفیف آنها می شود و هم باعث می شود سیاستگذار اعتماد به نفس برنامه ریزی برای اینها را به دست بیاورد.

برسیم که با حل مستقیم یک یا دو بحران، برخی دیگر از بحران ها کلا حل می شوند یا برخی بحران ها کلا تخفیف می یابند. می دانید خیلی از بحران های فعلی کشور ذاتا غیراقتصادی هستند، همانند محیط زیست، بحران اجتماعی، مسائل مربوط به طلاق و خانواده، مسائل بزه کاری و... و شاید هم به صورت خیلی مستقیم نتوان انطباقی میان آنها با مشکلات اقتصادی کشور مشاهده کرد اما حل بحران اقتصادی هم باعث تخفیف آنها می شود و هم باعث می شود سیاستگذار اعتماد به نفس برنامه ریزی برای اینها را به دست بیاورد.

اعتماد به نفس سیاستگذاران کشور با یکی دو موفقیت اقتصادی بازمی گردد

تصور می کنم چون سیاستگذار در عرصه اقتصادی چندان موفق نبوده است، به مصداق اینکه